

الگوی توسعه اقتصادی در کشور ژاپن (۱۹۸۶-۱۸۶۸)

نصراً... مقصودی

رضا استاد حسین

(کارشناسان ارشد اقتصاد، معاونت امور اقتصادی)

۳. فزاینده جایگزینی ثانوی واردات کالاها برای تولید و مصرف با توسعه بیشتر تولید داخلی (۱۹۶۰-۱۹۲۰)؛
۴. فاز جایگزینی ثانوی صادرات که در آن صادرات اقلام بی دوام جای خود را به صادرات کالاها بی دوام می دهد (۱۹۷۵-۱۹۶۰)؛
۵. فاز صنعتی شدن کامل (۱۹۷۶ به بعد).
از زمانی که جرقه توسعه اقتصادی ژاپن در دوران میجی (۱۸۶۸) زده شد، موتور رشد و توسعه ژاپن به حرکت درآمد و بخش های سنتی و مدرن توانستند این حرکت را تداوم بخشند. همزمان با اجرای سیاست های انتقال فن آوری در ژاپن، علاوه بر ایجاد صنایع مدرن، صنایع سنتی نیز برای این

سیاست های اولیه ژاپن در سال های پیش از ۱۹۰۰ بر مبنای مدل های درونگر بوده است و از آن به بعد، الگوهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات را جایگزین کرده است.
الگوی رشد و توسعه این کشور قبل از جنگ بر پایه نظامی گری استوار بوده ولی پس از جنگ توسعه بر پایه بی توجهی به صنایع نظامی بنیاد گذاشته شد (توسعه صنایع سنگین و زیربنایی، ماشین سازی، الکترونیک و کامپیوتر). پس به تدریج جامعه طبقاتی از میان رفت و توزیع ثروت و امکانات اقتصادی از طریق کاهش دخالت های دولت به اصطلاح ساز و کار بازار تحقق پیدا کرد.

مقدمه

ژاپن کشوری است که در کمتر از یک قرن توانست از انزوای کامل اقتصادی و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و ماهی گیری خارج شده و به یک غول صنعتی تبدیل شود. سیاست های اولیه ژاپن در سال های پیش از ۱۹۰۰ بر مبنای مدل های درون نگر بوده است و از آن به بعد، الگوهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات را به کار برده است. به طور کلی فرایند توسعه ژاپن طی مراحل بوده است:

۱. فاز صادرات کالاها سنتی؛

۲. فاز جایگزینی مقدماتی صادرات

کالاها تولیدی سبک به

جای محصولات کشاورزی

(۱۹۱۹-۱۹۰۰)؛

از قافله صنعتی شدن عقب نمانند اقدام به مکانیزه کردن خود کردند و در عمل نیروی کار در بخش کشاورزی و سایر بخش‌های سنتی، جذب کارخانه و صنایع مدرن شدند و شرایط لازم را برای افزایش تولیدات و رشد صنایع فراهم کردند.

به طور کلی الگوی توسعه ژاپن بعد از جنگ بر مبنای توسعه صنایع برای افزایش تولیدات و در نتیجه افزایش صادرات (الگوی توسعه صادرات) و رسیدن به رشد و تولید بالای اقتصادی با اتکا به کار گروهی بوده است. به همین خاطر روند تغییر و انتقال فازهای توسعه به سوی گسترش صنایع و صادرات کالاها صنعتی بوده است. در این راستا ژاپن ابتدا سیاست جایگزینی واردات را انتخاب کرده تا با ورود فن آوری و دانش آن و فراگیری و استفاده صحیح از آن اقدام به سوی ابداعات فن آورانه و گسترش صنایع مدرن بردارد و در نهایت به الگوی موردنظر یعنی توسعه صنایع و صادرات کالاها صنعتی دست یابد. اهداف و سیاست‌های در نظر گرفته شده در بخش کشاورزی مبتنی بر مکانیزه کردن کشاورزی و افزایش محصولات برای رسیدن به خودکفایی داخلی و بی‌نیازی به خارج بوده است.

بررسی روند توسعه اقتصادی ژاپن در سال‌های ۱۹۱۹-۱۸۶۸

فاز صادرات کالاها صنعتی و جایگزینی مقدماتی واردات و صادرات (۱۸۶۸-۱۹۱۹)

این فاز اصلی (مقدماتی) به دو زیر فاز تقسیم می‌شود:
الف) صادرات کالاها صنعتی و جایگزینی مقدماتی واردات (۱۹۰۰-۱۸۶۸)؛

ب) جایگزینی مقدماتی صادرات (۱۹۱۹-۱۹۰۰).
فاز مقدماتی با نقش سهم بخش سنتی در تشویق و پایه‌گذاری فرایند صنعتی شدن نوین مشخص می‌شود. نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی در زمان پایانی زیر فاز اول رو به کاهش می‌گردد. در خلال زیر فاز دوم کاهش نیروی کار بخش کشاورزی به علت افزایش نیروی کار بخش صنعتی موجب تشویق نوآوری می‌شود. در ارتباط با تقاضا، به طور مسلم توسعه صادرات برای

روند توسعه اقتصادی با توسل به فن آوری‌های نو و پیشرفته تکنولوژیک مبدول شده است تا همزمان با صنعتی شدن از منابع محلی بهتر استفاده شود. در این مورد مقایسه سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی و سرمایه‌گذاری در فازهای اولیه جدول ۱ این نکته را به خوبی نشان می‌دهد.

در زمینه توزیع بخشی نیروی کار نیز همان طور که در جدول ۲ مشخص است، نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی در ۱۹۰۴ رو به کاهش گذاشته و در بخش‌های دیگر به فعالیت پرداخته‌اند. با افزایش انباشت سرمایه و گسترش فعالیت‌های صنعتی تقاضای نیروی کار برای بخش صنایع زیاد شده و به عبارتی نیروی کار به بخش صنعت گرایش پیدا کرده است. مسأله دیگر این که با این جابه‌جایی تخصیص نیروی کار از بخش با بازدهی کم (کشاورزی سنتی) به بخش با بازدهی زیاد (صنعت) را فراهم آورد و در مجموع منجر به ارتقای بهره‌وری در سطح کلان شد.

سیاست‌های اولیه صنعتی شدن

در این زمان صنایع سنگین در کانون توجه دولت قرار دارد. می‌توان از گشایش معادن زغال سنگ جدید، تاسیس ذوب‌آهن، کشتی‌سازی و کارگاه‌های ماشین‌سازی نام برد. دولت اقدام به تاسیس کارخانه‌های "نمونه" برای تولید سیمان، کاغذ و شیشه می‌کند. در زمینه صنایع سبک دولت به طور مستقیم در واردات ماشین‌آلات و استخدام متخصصان فنی خارجی برای نوین سازی صنعت ابریشم‌ریسی و پارچه باقی شرکت می‌کند. تشکیلات خاصی تحت عنوان وزارت صنایع تولید دولت در ۱۸۷۰ ایجاد متقبل اجرای بخش مهم این فعالیت‌ها می‌شود. به هر حال شرکت مستقیم دولت در این قبیل فعالیت‌ها، کوتاه مدت بوده است. در آغاز سال‌های ۱۸۸۰، دولت از شدت فعالیت‌های خود می‌کاهد و به جای شرکت مستقیم، به یک روش جدید شرکت غیرمستقیم متوسل می‌شود. ناکارایی فنی و مدیریتی دولت سبب شد تا بیشتر صنایع به بخش خصوصی واگذار شود.

در آغاز، ژاپن برای تاهمین ارز مورد نیاز صنایع کشور برای یک دوره محدود، به صدور بعضی فرآورده‌های کشاورزی نظیر ابریشم خام و

جدول ۱. سرمایه‌گذاری دولتی در تأسیسات زیربنایی در رابطه با کل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (میانگین‌های پنج‌ساله نسبت‌های ۳۶-۱۹۳۳ میلیون ین)

سال	سرمایه‌گذاری دولتی سازه‌های زیربنایی	درصد	کل سرمایه‌گذاری خصوصی	درصد
۱۸۸۵-۱۸۸۹	۴۲	۲۴/۲	۱۷۳	۷۵/۸
۱۸۹۰-۱۸۹۴	۶۲	۲۶/۸	۲۳۲	۷۲/۴
۱۸۹۵-۱۸۹۹	۹۸	۳۰	۳۲۳	۷۰
۱۹۰۰-۱۹۰۴	۱۳۳	۳۹/۴	۲۶۹	۵۰/۶
۱۹۰۵-۱۹۰۹	۱۷۱	۳۷/۸	۴۵۱	۶۲/۲
۱۹۱۰-۱۹۱۴	۲۵۹	۴۲/۱	۶۱۳	۵۷/۹
۱۹۱۵-۱۹۱۹	۱۶۹	۱۵/۶	۱۰۸۰	۸۴/۳

مأخذ: کازوشی اوکازا، هیروچیساکو، فاه‌های توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، ترجمه بهزاد سلطان‌زاده، (فرکت تحقیقاتی صنایع الکترونیک خاکی)، ۱۳۷۲، ص ۷۷.

جدول ۲. توزیع بخشی نیروی کار در فاز مقدماتی (ارقام به درصد)

سال	صنعت I	خدمات S	کشاورزی A	کل
۱۸۹۲	۱۵/۲	۱۴/۹	۲۹/۹	۱۰۰
۱۹۰۴	۱۸/۱	۱۷	۶۴/۹	۱۰۰
۱۹۱۶	۱۸/۱	۲۱/۹	۶۰	۱۰۰

صنعتی شدن ضروری به نظر می‌رسد.
در انتقال زیر فاز اول به دوم شاخص کلان نسبت صادرات به تولید ناخالص ملی (xy) نشان‌دهنده متوسط بارز افزایش از ۸/۵ درصد در زیر فاز اول به ۱۴/۳ درصد در زیر فاز دوم است.

نکته دیگری که در فاز مقدماتی مطرح است، توسل به فن آوری‌های نو و مشارکت بخش خصوصی است که به طور گسترده توسعه بیشتر را تقویت کرده است. یعنی در این فاز علاوه بر افزایش سرمایه‌گذاری، توجه بیشتری به تسریع

جای متکی بوده است. زیرا ژاپن در آن زمان کالایی برای صادرات نداشت و هیچ گونه امیدی هم به صدور مواد کانی نمی توانست داشته باشد.

برنامه اولیه توسعه

به دنبال گسترش سرمایه گذاری های عمومی هیچ نهاد و اساس استواری برای توسعه پی ریزی نمی شود و اختلال در سیاست های مالی و پولی دولت ظاهر می شود به همین علت تورم شدید به وقوع می پیوندد. برای مبارزه با این شرایط دشوار، ماسایوشی، ماتسوکاتا^۱ وزیر جدید مالی سیاست انقباضی پولی و مالی همراه با تطبیق و اصلاح نهادی تحت عنوان "ضد تورم ماتسوکاتا" اتخاذ می کند. این طرح از ۸۴-۱۸۸۱ با شدت و قاطعیت تمام اجرا و به شروعی اصیل برای رشد اقتصاد نوین منجر می شود. حجم پول در گردش تا ۲۰ درصد کاهش داده می شود.

در نتیجه این دستاوردها در این زمان دولت می تواند به اصلاح نظام بانکداری اقدام کند. بانک ژاپن در ۱۸۸۱ تأسیس و جای بانک های ملی سابق را به عنوان ناشر اسکناس می گیرد و به این ترتیب در این زمان اقتصاد ژاپن دارای یک نظام نوین و یک ساختار بودجه عمومی می شود و به فعالیت های بخش خصوصی توجه خاصی مبذول می شود چون ماتسوکاتا بالاترین اولویت را از دید دفاع ملی برای پروژه های زیربنایی قائل بود و معتقد بود باید با کم کردن دخالت دولت فعالیت بخش خصوصی را کاملاً آزاد گذاشت.^۲

در نهایت طرح های ماتسوکاتا، اولین برنامه ریزی بلندمدت (۱۰ ساله) توسعه در ژاپن به شمار می رود. اما این برنامه، شاید به دلیل این که سیاست های دولت در سال های بعدی به طور آشکار از رهنمودهای ماتسوکاتا تبعیت نکرد، فراگیر نشد. اما در عمل سیاست های بعدی دولت از خطوط ترسیمی این رهنمودها پیروی کرد.

سیاست صنعتی دوگانه

توسعه اولیه ژاپن از رهنمودهای نظریه سنتی. نوین پیروی کرده است و در کنار هم قرار گرفتن بخش سنتی و نوین و جابه جایی نیروی کار بین این دو بخش از علل تسریع حرکت توسعه این دو بخش بوده است.

به طور کلی فرایند باز تخصیص نیروی کار (L) را می توان با یک مدل دو بخشی نشان داد که اندیس ۱ نماینده بخش نوین و اندیس ۲ نماینده بخش سنتی است. پس $\frac{L_1}{L}$ و $\frac{L_2}{L}$ سهم بخش ها از نیروی کار است. و نیز نماینده تفاوت مقدار افزایش نیروی کار است:

$$\frac{\Delta L}{L} = \frac{L_1}{L} \cdot \frac{\Delta L_1}{L_1} + \frac{L_2}{L} \cdot \frac{\Delta L_2}{L_2}$$

در مراحل اولیه توسعه (صادرات کالاهای سنتی) کارگران بیشتر در بخش سنتی اشتغال دارند. افزایش $\frac{L_1}{L}$ در نتیجه انباشت سرمایه در بخش اول (نوین)، منجر به کاهش $\frac{L_2}{L}$ می شود. در واقع خواهیم داشت:

$$\Delta L = \Delta L_1 + \Delta L_2$$

که L عرضه اضافه نیروی کار است. به علت انباشت سرمایه در بخش دو نیروی کار اضافی داریم:

$$\Delta L_2 = (\Delta L - \Delta L_1)$$

که این نیروی کار اضافی در بخش دو دارای بهره وری نهایی کمتری نسبت به سطح دستمزدهای موجود هستند.

در نهایت، سیاست های دولت ژاپن باعث شد تا نیروی کار مازاد بخش دوم (سنتی) توسط بخش اول (نوین) جذب شود. بنابراین با خروج نیروی کار از بخش دوم نسبت سرمایه به نیروی کار بالا رفت و زمینه ارتقای فن آوری و بهره وری در این بخش ایجاد شد. از طرف دیگر بهره وری نیروی کار جذب شده

در بخش اول نیز ارتقا یافت. این فرایند آن چنان ادامه یافت تا تحرک نیروی کار بین دو بخش مذکور به سمت صفر میل کرد. بنابراین می توان گفت تغییرات نیروی کار در دو بخش مورد نظر نیز به سوی تساوی تمایل پیدا کرد.

$$\frac{\Delta L_1}{L_1} \cdot \frac{L_1}{L} = \frac{\Delta L_2}{L_2} \cdot \frac{L_2}{L}$$

در نتیجه این رابطه برقرار خواهد شد:

$$\Delta L = \Delta L_1$$

رابطه اخیر بیان می کند میزان افزایش نیروی کار شاغل در بخش نوین ۱۲ افزایش در کل نیروی کار است. در بلندمدت نیز مشاهده شد که بهره وری نهایی عامل کار در بخش صنایع ژاپن افزایش یافته است. بنابراین با کنار رفتن تدریجی بخش سنتی، اشتغال به سمت بخش های نوین حرکت کرد و این سبب شد کارگرانی که در بخش مدرن فعالیت می کردند دارای بهره وری بالا و درآمد بالایی باشند و در نتیجه در چارچوب مراحل توسعه، هیچ گونه خللی در نامطلوب شدن توزیع درآمد مشاهده نشد و به همین سبب برخی اقتصاددانان معتقدند که یکی از علل تسریع توسعه ژاپن، توزیع عادلانه درآمد است.

به بیان دیگر افزایش تقاضا برای کار در صنایع اولیه در طی این دوره سبب خروج نیروی مازاد از بخش کشاورزی سنتی شد و بنابراین درآمد این بخش، بین گروه کوچکتری تقسیم شد و زمینه برای مکانیزاسیون کشاورزی و صرفه جویی نیروی انسانی در این بخش و افزایش کارایی و بهره وری فراهم شد. نکته دیگر تغییرات در سهم عوامل تولید بین صنایع سنتی (کاربر) و صنایع مدرن (سرمایه بر) در سال های ۱۹۱۹-۱۸۶۸ است. به عبارت دیگر از یک فاز صنایع کاربر به یک فاز صنایع سرمایه بر حرکت انجام گرفت. برای بیان این موارد می توان از شاخص کشش خام تقریبی^۳ استفاده کرد:

این نسبت برابر با میزان رشد نیروی کار به میزان رشد تولید است.

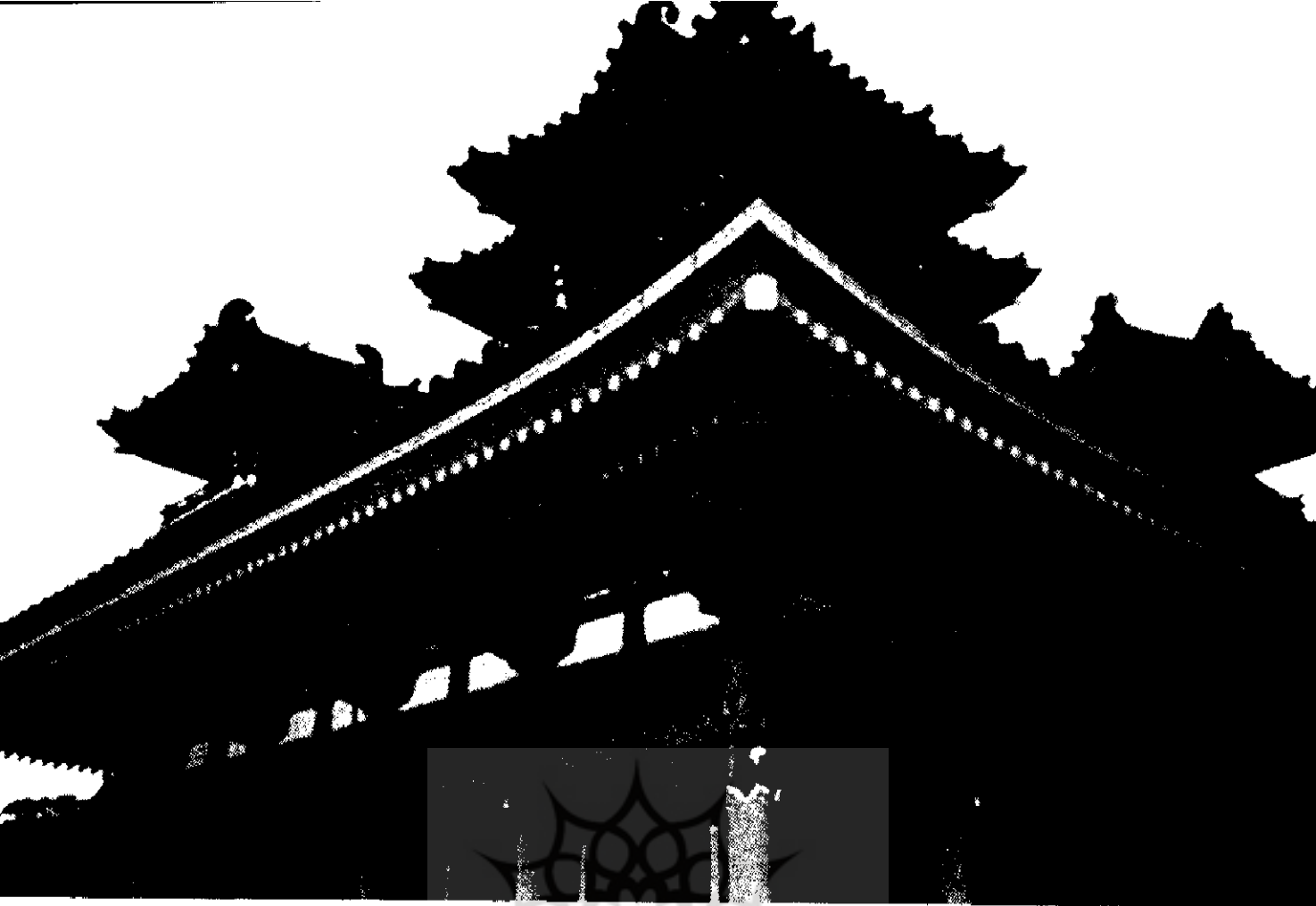
$$\tau = \frac{GL}{GY}$$

در فاز مقدماتی (مراحل اولیه توسعه) مقدار این کشش ۰/۲۶ تا ۰/۳۳ و برای زیر فاز پیش از جنگ ۰/۳۰ و برای زیر فاز بعد از جنگ (فاز ثانوی) ۰/۴۳ بوده است. افزایش این کشش نشان دهنده این است که توسعه صنایع کاربر به ویژه در صنایع ماشین سازی مورد عمل قرار گرفته است. ولی با افزایش صنایع سرمایه بر مقدار این کشش ها، کاهش یافته است.

توجه به اصل مزیت نسبی برای اصلاح الگوها

به دست آوردن مزیت نسبی در تولید کالاهای هر بخش اقتصادی می تواند سبب تسریع حرکت توسعه و تغییر فواصل بین فازها شود. در کشورهایی که دارای منابع طبیعی غنی اند. فاز مقدماتی جایگزینی صادرات کنار گذاشته می شود و هیچ انگیزه ای وجود ندارد که صادرات کالاهای صنعتی جایگزین صادرات کالاهای کشاورزی شود زیرا به علت برخورداری از منابع غنی تر طبیعی، مزیت نسبی کشاورزی همچنان حفظ می شود. از دید صنعت نرخ های قوی تر مبادله نسبی کشاورزی همچنان حفظ می شود. از دید صنعت نرخ های قوی تر مبادله هنوز باقی است. اگر مازادی که از صادرات کشاورزی به دست می آید برای حمایت از صنعت مورد استفاده قرار گیرد، این کشورها می توانند هر چه زودتر به تولید داخلی کالاهای بادوام برای تولیدکنندگان و مصرف کننده اقدام کنند. در چنین شرایطی فاز مقدماتی اهمیت چندانی ندارد.

ولی ژاپن کشوری است که نسبتاً از لحاظ منابع طبیعی فقیر است. به همین خاطر به جای اصل مزیت نسبی در تولید کشاورزی (مواد غذایی)، اصل



این دو رابطه پیشرو-پیرو است. در خلال فاز مقدماتی (۱۸۸۸-۱۹۲۰)، سرمایه‌گذاری دولتی معمولاً نقش پیشاهنگ را بازی می‌کرد به عنوان مثال در توسعه صنایع فولاد و آهن دولت نقش پیشگام اولیه را داشت و قسمت اعظم بخش خصوصی از فعالیت‌های دولتی پیروی می‌کردند.

به عبارتی بخش دولتی در صنایعی که بخش خصوصی تمایل به سرمایه‌گذاری نداشت (خارج از توان این بخش بود) سرمایه‌گذاری زمینه را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع وابسته فراهم می‌کرد.

در خلال روندهای نزولی سرمایه‌گذاری، میزان افزایش در سرمایه‌گذاری عمومی بر خصوصی پیشی می‌گیرد. به عبارت دیگر نقش پیشگامی دولت، سهم بزرگی در کاهش بی‌توازی ناشی از حرکت نزولی سرمایه‌گذاری خصوصی دارد. در مقابل در خلال روندهای صعودی سرمایه‌گذاری، بخش عمومی از پیشگامی بخش خصوصی پیروی می‌کند و برعکس گاهی دولت برای حمایت از صنایعی که بخش خصوصی ایجاد کرده است اقدام به ایجاد صنایع وابسته می‌کند.

در سال‌های ۱۸۸۷، ۱۸۹۴، ۱۹۰۱ و ۱۹۱۸ درصد سهم سرمایه‌گذاری خصوصی به ترتیب ۷۸/۶، ۷۶/۶، ۶۴ و ۷۹/۸ درصد و سهم سرمایه‌گذاری عمومی به ترتیب معادل ۲۱/۴، ۲۳/۴، ۳۶/۴ و ۲۰/۲ درصد بوده است.^۶

مهمترین علت نوسان‌های سرمایه‌گذاری، شکاف بین S و A است. در سال‌های ۱۸۸۵-۹۲، این شکاف به صورت $S \gg A$ بوده اما در سال‌های ۱۹۰۵-۱۸۹۳ (از آغاز جنگ چین و ژاپن، ۱۸۹۴-۹۵، و جنگ روس و ژاپن، ۱۹۰۴-۱۹۰۵) این شکاف منفی و $S \ll A$ بوده است.

مسئله این است که دومین جهش سرمایه‌گذاری عظیم خصوصی در ۱۹-۱۹۱۳ به وقوع پیوست که الگوی رهبری دولت در تشکیل سرمایه را کم‌رنگ

خودکفایی غذایی را مدنظر قرار داد. به عنوان مثال سیاست خودکفایی برنج در خلال فاز مقدماتی در عمل اجرا شد. ولی حمایت جدی و اساسی دولت از صنایع سبب مزیت نسبی در آن‌ها شد و اصل مزیت نسبی در تولیدات صنعتی ایجاد شد. از سوی دیگر نسبت خالص صادرات (NER)^۴ یکی از شاخص‌های واقعی قدرت رقابت بین‌المللی است. نسبت خالص صادرات به شکل $\frac{X-M}{X+M}$ تعریف می‌شود که در آن X و M صادرات و واردات هستند. این نسبت بین -1 و $+1$ تغییر می‌کند. زمانی که واردات یک کشور از صادرات آن بیشتر است (خالص واردکننده) این نسبت منفی و زمانی که صادرات از واردات بیشتر است (خالص صادرکننده) این نسبت مثبت است. افزایش نسبت خالص صادرات نشان دهنده بهبود قدرت رقابت بین‌المللی است.

سیاست رشد متوازن (همپا)

هدف کلی مشارکت دولت در امور اقتصادی را می‌توان برقراری سیاست رشد همپا برای کشاورزی و صنعت در نظر گرفت. یعنی از یک سو سیاست توسعه کشاورزی بر حمایت فن‌آوران مانند ایجاد ایستگاه‌های آزمایش، جذب فن‌آوری از طریق اتحادیه زارعان، تأسیس نظام نظارت و بازرسی و گسترش و اصلاح تسهیلات خشک‌اندازی و آبیاری در سال‌های آخر این فاز مورد توجه قرار گرفت، و از سوی دیگر با توسعه صنایع (بومی - نوین) سعی در افزایش تولیدات و بهره‌وری را دارد. البته در خلال جنگ جهانی اول این سیاست رشد متوازن متوقف شد.

نقش سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی (دولتی)

در رابطه با سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی، استدلال این است که رابطه

کرد، و توسعه و جایگزینی مقدماتی صادرات در این صنایع را بیشتر بخش خصوصی پی گیری کرد. به عبارت دیگر در فازهای اولیه به علت ضعف ساز و کار بازار، دولت رهبری را به عهده داشت ولی با گسترش ساختار بازار در فازهای بعدی بخش خصوصی پیشگام توسعه و نوآوری فن آورانه بوده است.

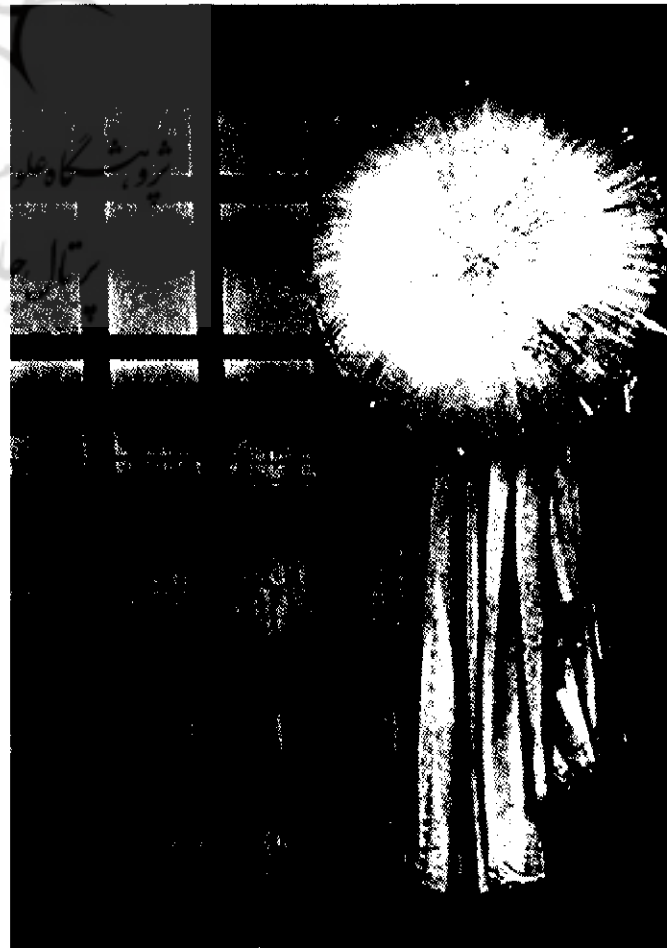
از این منظر دخالت دولت در سیاست توسعه اقتصادی امری طبیعی است که بدون دخالت دولت، چگونگی توسعه اقتصادی نمی تواند مطرح باشد، حتی در کشورهایی مانند کره جنوبی که بخش خصوصی به صورت گسترده ای مطرح است دولت نقش اساسی را در مورد هدایت توسعه اقتصادی کره جنوبی داراست. همان گونه که در طول دوره تحولات اقتصادی در ژاپن نیز دولت نقش اساسی را به عنوان تعیین کننده ای در مقاطعی از تاریخ داشته است.

بررسی روند توسعه اقتصادی ژاپن در سال های (۱۹۶۰-۱۹۲۰) فاز جایگزینی ثانوی واردات (صنعتی شدن ناکامل)

جایگزینی واردات در ژاپن با صنعت ماشینی سازی شروع می شود و سپس به صنایع فلزات و شیمیایی گسترش می یابد و در عین حال توسعه تولید داخلی این سه صنعت به طور همزمان صورت گرفته است و از سوی دیگر دولت زودتر از بخش خصوصی نسبت به ایجاد صنایع جایگزینی واردات اقدام می کند چون بخش خصوصی در انتقال فن آوری در فاز جایگزینی ثانوی واردات با مشکلاتی روبرو بوده که می توان در این مورد به صنعت کشتی سازی اشاره کرد.

دهه ۱۹۵۰ (ابتدای رشد اقتصادی سریع ژاپن)

دهه ۱۹۵۰ به عنوان نقطه شروع رشد سریع اقتصادی ژاپن به حساب می آید. در خلال این رشد سرمایه گذاری روی کارخانه ها و تجهیزات افزایش پیدا کرد و این رشد نیروی محرکه تقاضا در داخل محسوب می شد که دستاورد آن رشد سریع بود و در عین حال، ظرفیت جدید تولیدی را به وجود آورد. در این دوران افزایش قیمت ها نیز بالا بود. همراه با افزایش تولیدات، واردات نیز افزایش یافت و همزمان با رشد اقتصادی، تقاضای داخلی نیز توسعه پیدا کرد به ویژه برای کارخانه ها و تجهیزات، همین طور مصارف خصوصی و خریدهای دولتی نیز



افزایش یافت ولی همچنان که کالاها به سمت تقاضای داخلی سوق داده می شد صادرات کاهش می یافت و باعث کسری تراز پرداخت ها در حساب جاری کشور می شد. کاهش صادرات، سبب کاهش ذخیره ارزی کشور شد و مقامات پولی در سال های ۱۹۵۱، ۱۹۵۴، ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ اقدام های انقباضی پولی را پیش گرفتند. از سوی دیگر جلوی تقاضای داخلی تا حدودی گرفته شد و موجودی انبار شرکت ها نیز تا حدودی بالا رفت. سرمایه گذاری کارخانه ها کاهش و به تبعیت آن استخدام نیروی کار نیز کاهش یافت و در نتیجه کاهش در میزان رشد سریع به وجود آمد.

با کاهش تقاضای داخلی، کالاهای تولیدی به سمت صادرات سوق پیدا کرد و واردات کم شد. در نتیجه حساب جاری تراز پرداخت ها بهبود یافت و سیاست انقباضی پولی کاهش پیدا کرد و زمینه ادامه رشد سریع را فراهم آورد. یکی از دلایل رشد سریع ژاپن در این دهه وابستگی اقتصاد به ویژه توسعه صادرات آن به رشد و توسعه تجارت جهانی بوده است. به این معنی که اقتصاد ژاپن نسبت به ادوار تجاری جهان حساس بوده و قادر نبوده است در برابر شوک های ناشی از ادوار تجاری مقاومت کند. به علاوه میزان افزایش صادرات ژاپن سالانه با میزان افزایش واردات جهان مطابقت دارد (چنین ویژگی در اقتصاد داخلی ژاپن نیز وجود داشت). ژاپن تمام ارز مکتسبه خود را از واردات برای توسعه تولید و افزایش رشد مصرف می کرد و بنابراین هیچ مقدار ارز برای ذخیره باقی نمی ماند. ۷ به همین دلیل آن گاه که در جهان رکود اقتصادی حاصل می شد. صادرات در مقابل آن به سرعت کاهش می یافت و موازنه پرداخت ها دچار کسری می شد و در نتیجه سیاست انبساطی پولی برقرار می شد. از آن جایی که ژاپن بیشترین تجارت خود را با آمریکا داشت و آمریکا نیز بیشترین حجم تجارت جهانی را ایجاد می کرد و از نیمه دوم ۱۹۵۰ حجم صادرات و واردات ژاپن با آمریکا از ۳۰ درصد حجم کل صادرات و واردات ژاپن فراتر رفت به همین دلیل ادوار تجاری داخل آمریکا و ژاپن می توانست بر اقتصاد ژاپن اثر بگذارد.^۸

در ضمن ژاپن از دهه ۱۹۵۰ به بعد درصدد توسعه قدرت خود به عنوان کشور تجارت کننده کالاهای تولید شده برآمد. به عنوان مثال از دهه ۱۹۵۰ حدود ۵۰ درصد واردات ژاپن را مواد خام و سوخت تشکیل می داد و اگر مواد غذایی را به آن اضافه کنیم در واقع ۸۰ درصد واردات این کشور مواد اولیه و اساسی را در بر می گرفت. ماشین آلات و دیگر کالاهای ساخته شده تنها ۲۰ درصد واردات را تشکیل می داد. در صورتی که ۸۰ درصد صادرات ژاپن از ۱۹۵۵ به بعد کالاهای ساخته شده بود.^۹

البته با رشد اقتصادی و توسعه صنایع سنگین و نساجی ژاپن تغییرات بسیاری در ترکیب کالاهای صادراتی این کشور به وجود آمد. در ۱۹۵۰،

ژاپن کشوری است که نسبتاً از لحاظ منابع طبیعی فقیر است به همین خاطر به جای اصل مزیت نسبی در تولید کشاورزی (مواد غذایی) اصل خودکفایی غذایی را مدنظر قرار داد. به عنوان مثال سیاست خودکفایی برنج در خلال فاز مقدماتی در عمل اجرا شد ولی حمایت جدی و اساسی دولت از صنایع سبب مزیت نسبی در آن ها شد و اصل مزیت نسبی در تولیدات صنعتی ایجاد شد

محصولات نساجی حدود نصف کل صادرات ژاپن را تشکیل می‌داد. این سهم در ۱۹۵۵ به ۳۷ درصد و در ۱۹۷۵ به پنج درصد رسید. سهم صادرات فولاد تا ۱۹۶۰ به ۳۴ درصد رسید که در سال‌های بعد به ۱۰ درصد کاهش یافت. صادرات ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل جای صادرات فولاد را گرفت و بیشترین درصد را به خود اختصاص داد. اگر دقت کنیم متوجه می‌شویم روند این تغییرات، به سمت صادرات کالاهای پیچیده‌تر با ارزش افزوده بیشتر بوده است. در اصل مواد خام وارد و کالای ساخته شده صادر می‌شد (تغییری به وجود نیامد) اما روند به سمت بالا رفتن سطح فن‌آوری در استفاده و کاربرد مواد خام ارزان برای تولید محصولات با ارزش افزوده بالا بود.^{۱۰}

از شرایط داخلی مهمی که سبب رونق و توسعه ژاپن شد برنامه‌ریزی شرکت‌ها، مدیریت مالی، ثبات در روابط بین مدیریت و عامل کار (یعنی اعتصاب نکردن و کار کردن شدید و درست کارگران، افزایش دستمزدها و ثبات آن از ۱۹۵۴ به بعد، اخراج نکردن کارگران و برقراری نظام استخدام مادام‌العمر) بود. پس از جنگ برای تشویق صادرات از طریق ایجاد و تأسیس نهادهای نظام‌ها و سازمان‌های گوناگون و با حمایت قانونی صورت گرفته است. این اقدام‌ها شامل سیاست‌گذاری‌های مالی و مالیاتی، ایجاد نظام‌های بیمه، بازرسی، بهبود طراحی، اطلاعات بازاریابی و خدمات و ایجاد مؤسسه‌های تجاری فعال در زمینه صادرات می‌شود. تجارت خارجی ژاپن که به طور مستقیم تحت نظارت دولت بود بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، در ژانویه ۱۹۵۰ کاملاً به بخش خصوصی واگذار شد. یک رشته قوانین و مقررات جدید وضع شد نظیر قانون نظارت بر تجارت خارجی^{۱۱}، قانون بیمه اعتبارات صادراتی^{۱۲}، قانون مقررات ویژه مالیاتی^{۱۳}، قانون طراحی کالاهای صادراتی^{۱۴}، قانون بازرسی صادرات^{۱۵}.

با بررسی روند مصرف سرمایه‌گذاری و اوضاع اقتصادی مشخص است، میزان مصرف و سرمایه‌گذاری رو به افزایش بوده است. به عبارت دیگر بازار گسترش لازم را پیدا می‌کرد یعنی با افزایش تولید، تقاضای افزایش پیدا می‌کرد.

برنامه‌های اقتصادی ژاپن در دهه ۱۹۵۰

دولت ژاپن در ۱۹۵۵ نخستین برنامه اقتصادی خود را به طور رسمی تدوین کرد و سپس هشت برنامه که اغلب پنج ساله بودند تنظیم کرد. اغلب این برنامه‌ها عملاً دارای عمر متوسطی معادل ۲/۵ سال بود، زیرا از این برنامه‌ها در واقع برای ایجاد یک تصویر خوب از کابینه در زمان روی کار آمدن نخست‌وزیر جدید استفاده می‌شد. به طور کلی برنامه‌های اقتصادی ژاپن دارای سه ویژگی است:^{۱۶}
 نخست: آن‌ها مسیر دلخواه توسعه اقتصادی و اجتماعی را معین می‌کنند.
 دوم: سیاستی را که دولت با اتخاذ آن‌ها به آن نتایج می‌رسد مشخص می‌سازند.

سوم: مردم و بخش خصوصی را در رفتار و خطمشی رهبری و هدایت می‌کنند.

بررسی روند توسعه اقتصادی ژاپن در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۹

انتقال از جایگزینی ثانوی واردات به جایگزینی ثانوی صادرات در دوره پس از جنگ فاز جایگزینی ثانوی واردات تکمیل شد. جایگزینی صادرات پس از جنگ و بعد از بازسازی سال‌های ۱۹۵۰ آغاز شد. یعنی به علت موفقیت‌آمیز بودن جایگزینی واردات از اوایل سال‌های ۱۹۶۰ جایگزینی ثانوی

صادرات شروع شد.

در این مرحله کالای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و بادوام مصرفی دارای مزیت نسبی شده در سطح وسیع تولید و از لحاظ بین‌المللی قابل رقابت شد و تولید کالاهای بی‌دوام مصرفی نظیر منسوجات قدرت رقابت خود را از دست داد. به‌عنوان مثال در سال‌های بعد از ۱۹۶۰ صادرات ماشین‌آلات بر صادرات منسوجات پیشی گرفت.

جریان وسیع ورود دانش فنی به ژاپن که از دوره پیش از جنگ شروع شد، در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نیز ادامه یافت و سبب ایجاد صنایع نوین دیگر شد. افزایش دستمزدها و اختلاف دستمزد بین کارگران ماهر و نیمه‌ماهر و بین بنگاه‌های بزرگ و کوچک سبب ادامه روند جایگزینی ثانوی صادرات شد.

به هر حال در صنایع توسعه صادرات ژاپن نظیر تولید ماشین‌آلات، محدودیت عرضه نیروی کار همراه با افزایش شدید دستمزدها به یک معضل جدی تبدیل شد.

مشکلی که با آن مواجه شدند قیمت عرضه تولیدات صنعتی بود که برای بر خورده‌اری از مزیت نسبی، کالاهای صادراتی باید حداقل در بازار

جریان وسیع ورود دانش فنی به ژاپن که از دوره پیش از جنگ شروع شد در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نیز ادامه یافت و سبب ایجاد صنایع نوین دیگر شد

به دلیل افزایش چشم‌گیر دستمزدها نسبت به قیمت سرمایه کارآفرینان به طور طبیعی افزایش سرمایه‌گذاری بلندمدت را جایگزین کار می‌کنند

محلی از سایر کالاهای ارزان‌تر و در بازار بین‌المللی نیز قابل رقابت باشد.

دولت ژاپن در ۱۹۵۵ نخستین برنامه اقتصادی خود را به طور رسمی تدوین کرد و سپس هشت برنامه که اغلب پنج ساله بودند تنظیم کرد

پس به دلیل افزایش چشم‌گیر دستمزدها نسبت به قیمت سرمایه، کارآفرینان به طور طبیعی افزایش سرمایه‌گذاری بلندمدت را جایگزین کار می‌کنند. به این ترتیب فرایند سرمایه‌بری بیشتر در سال‌های ۱۹۷۰ شروع شد یعنی در خلال این دهه سرمایه‌گذاری هنگفتی در ماشین‌سازی و صنعت فلزات صورت گرفت.

در نهایت محیط بین‌المللی و عوامل درونی (افزایش تقاضای داخلی برای صنایع جایگزینی صادرات و کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی و واسطه‌ای) و سیاست‌های حمایتی دولت در برابر رقابت‌های بین‌المللی و سیاست آزادسازی سبب موفقیت این فاز در ژاپن شد.

دهه ۱۹۶۰

در این دوره تولید ناخالص داخلی ژاپن از رشد متوسط سالانه واقعی حدود ۹/۹ درصد برخوردار بوده و بیشترین رشد صادرات ۱۸ درصد، میزان رشد نسبت

واردات به تولید ناخالص ملی ۱۰ درصد و رشد قیمت‌ها ۴/۶ درصد، میزان رشد سرمایه خالص خصوصی ۱۰/۲ درصد، رشد حجم بودجه سالانه ۲۵ درصد و کارایی نیروی کار در همه بخش‌های اقتصادی نسبت به دهه قبل ۲/۳۸ برابر بوده است.^{۱۷}

اهم عواملی که موجب افزایش رشد اقتصادی در این دوره شد شامل تولید انبوه، پیشرفت فن آوری، استفاده از انرژی ارزان، بهره‌برداری از نیروی عظیم کارگران و اعمال مدیریت صحیح است. در این دوره ترکیب اقتصادی کشور از کشاورزی به سایر بخش‌ها به ویژه به بخش صنعتی شامل صنایع سنگین و صنایع شیمیایی تغییر جهت پیدا کرد. در این دوره بخش خصوصی سرمایه‌گذاری قابل توجهی در کارخانه‌های صنعتی انجام داد و موفق شد از رشد بسیار سریع در تولید کارخانه‌ها برخوردار شود.

موقعیت ژاپن در اقتصاد جهانی، در نتیجه افزایش تولید و صادرات طی دهه ۱۹۶۰ تغییر پیدا کرد. در ۱۹۶۸ تولید ناخالص ملی ژاپن در جهان (بعد از ایالات متحده و شوروی) در مقام سوم قرار گرفت.

سیاست انقباضی پولی در ۱۹۶۷ حذف شد و ژاپن از یک کشور بدهکار به یک کشور اعطاکنده اعتبار تبدیل شد.

در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰، موقعیت ژاپن در اقتصاد بین‌المللی به کلی دگرگون شد طبیعی است که این دگرگونی انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری ژاپن در خارج شد. تا ۱۹۶۵ ارزش ناخالص این سرمایه‌گذاری بالغ بر یک میلیارد دلار می‌شد و تا آغاز دهه ۱۹۷۰ سرعت بیشتری یافت.

۴۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در منابع اولیه، به ویژه در بخش معادن، ۲۲ درصد در بازار نیروی کار و ۲۸ درصد نیز در تجارت و امور مالی بود. این سرمایه‌گذاری‌ها براساس نواحی مختلف انجام گرفته که ۲۵ درصد آن در ناحیه آمریکای شمالی، ۲۲ درصد در جنوب شرق آسیا، ۱۸ درصد در اروپا و ۱۶ درصد در آمریکای جنوبی و مرکزی و ۹ درصد در خاورمیانه صورت گرفته است.

دولت ژاپن در ۷۰-۱۹۶۹ مؤسسه‌های غیرانتفاعی تحت عنوان بنگاه همکاری عمرانی خارجی (JODC) تشکیل داد. هدف از تشکیل این مؤسسه:

۱. همکاری در زمینه خدمات کارشناسی ژاپن در خارج (JESA)^{۱۹}؛
۲. تأمین اعتبار مالی، فعالیت‌های مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری ژاپن در خارج؛

۳. تأمین اعتبار مالی واردات مواد اولیه و محصولات واسطه‌ای از طریق طرح‌های مشارکت در تولید کشورهای در حال توسعه است.

ورود سرمایه‌های خارجی تا دهه پس از جنگ تا ۱۹۶۷ تحت کنترل باقی ماند تا این که در آن زمان سرمایه‌گذاری خارجی در تعدادی از صنایع مجاز اعلام شد و برای میزان مالکیت خارجی حدی قائل شدند (حداکثر ۴۹ درصد از کل سهام) و نیز مقرر شد سرمایه‌گذاری خارجی تنها برای تشکیل بنگاه‌های جدید مجاز باشد نه بنگاه‌های قدیمی و علاوه بر این سرمایه‌گذاری در صنایع راهبردی و کلیدی (صنایع ساخت وسایل دقیق الکترونیکی، رایانه، دارویی و...) نیز تحت حمایت دولت باشد.

طی این دوره تفاوت درآمد بین طبقات مختلف کاهش یافت. به طوری که در بیشتر مردم این احساس به وجود آمد که آن‌ها همه متعلق به طبقه متوسط‌اند.^{۲۰} از این به بعد به سرعت الگوی مصرف آنان تغییر یافت. فرصت‌های آموزشی و بهداشتی مساوی و بسیار خوبی برای مردم فراهم آمد، سطح زندگی مردم بالا رفت که یکی از شاخص‌های بالا رفتن سطح زندگی، کاهش ضریب انگل^{۲۱} بود. به عبارتی سهم هزینه‌های مصرفی برای مواد غذایی کاهش یافت و در عوض اقلام مصرفی دیگری مثل هزینه‌های حمل و نقل، ارتباطات، آموزش و پرورش، تفریح، پذیرایی‌ها، آرایش و... بالا رفت و نیز تفاوت‌های ساختاری بین شهر و روستا، کشاورزی و صنعت از میان رفت و

اقتصاد یکپارچه شد. توجه دیگر این تغییر، در این معنی تجسم یافت که ۹۰ درصد محصلان فارغ‌التحصیل از دوره راهنمایی، تحصیلات خود را در دوره بالاتر، یعنی دبیرستان، ادامه دادند و حدود نیمی از دیپلمه‌های دبیرستان نیز به سمت دانشگاه‌ها و کالج‌ها شتافتند. به علاوه ضریب پس‌انداز خانواده‌های ژاپنی بالا رفت. این ضریب که برای کارگران شهری در ۱۹۵۵، تنها ۵/۲ درصد بود در ۱۹۶۰ به ۹/۳ درصد و در ۱۹۶۵ به ۱۱/۱ درصد و در ۱۹۷۰ به ۱۲/۹ درصد و بالاخره، در ۱۹۷۵ به ۱۴/۵ درصد رسید.^{۲۲}

در نیمه دوم دهه ۶۰، بخش‌های مسکن و حفظ محیط‌زیست و بعد بخش‌های حمل‌ونقل و ارتباطات و تجارت‌های کوچک بیشترین وجوه بودجه دولت را به خود اختصاص می‌دادند و این نشان می‌دهد که سیاست کلی اقتصادی بیشتر به سمت رفاه اقتصادی پیش می‌رفت.

در دهه ۶۰ نظام مالیاتی نیز تغییر کرده که در رشد اقتصادی این کشور مؤثر بوده است. به طور کلی در دوره پیشرفت اقتصادی ۶۹-۱۹۶۰ نظام مالیاتی ژاپنی بر این اصول استوار بوده است:

۱. پی‌گیری سیاست‌های کاهش مالیات و تعدیل نظام مالیاتی
۲. برنامه بلندمدت برای اخذ مالیات.
- ۱-۲. در نظر گرفتن معیارهای جدید برای کاهش مالیات؛
- ۲-۲. اهمیت مالیات بر درآمد در کل نظام مالیاتی؛
- ۲-۳. تعیین معیارهای ویژه مالیات؛
۳. به‌کارگیری نظام مالیاتی در شرایط کسر مالی و انتشار اوراق قرضه.

برنامه توسعه منطقه‌ای

همزمان با برنامه‌ریزی طرح دو برابر کردن درآمد ملی، سرمایه‌گذاری‌های مختلف در نقاطی خاص تمرکز یافته بود و لزوم توزیع منطقه‌ای و نبود تمرکز آن‌ها احساس می‌شد. بنابراین، دولت برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و اجتماعی توجه خود را به مناطقی گوناگون معطوف داشت، سپس در ۱۹۶۲ دولت برنامه توسعه ملی طراحی کرد که به موجب آن کشور به سه نوع منطقه تقسیم شد.

۱. مناطق بسیار شلوغ؛
۲. مناطق ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی؛
۳. مناطق در حال توسعه.

براساس این طرح، سرمایه‌گذاری و استقرار صنایع جدید در مناطق اول، کاملاً محدود شد. در حالی که سرمایه‌گذاری صنایع کلیدی و اصلی در مناطق دوگانه بعدی مورد حمایت و تشویق قرار می‌گرفت.

حکومت‌های ایالتی مختلف برای جذب صنایع جدید، با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند. بالاخره ۱۳ شهر جدید صنعتی و شش منطقه ویژه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی مشخص شدند. از ۱۹۶۵ به بعد سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی دولت فقط در مناطق جدید باید صورت می‌پذیرفت.

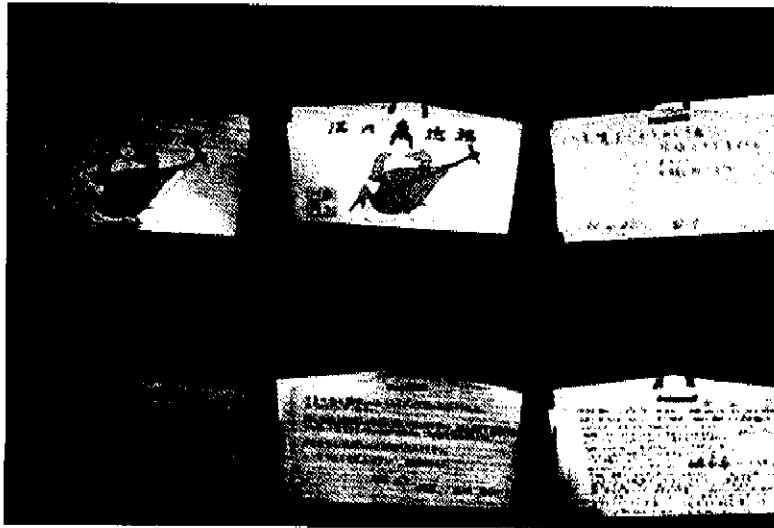
این سیاست‌ها در مجموع برای از بین بردن ساختار دوگانه اقتصادی و از میان برداشتن تفاوت‌های مناطق و بخش‌های اقتصادی مختلف، تأثیر بسزایی گذاشت.

دهه ۱۹۷۰

در اوایل دهه ۱۹۷۰ پنج عامل مهم در ساختار اقتصادی جامعه ژاپن به وقوع پیوست که در رشد آن کشور بی‌تأثیر نبود، اول بنگاه‌های خصوصی با افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه^{۲۳} کوشش کردند تا فن آوری پیشرفته خاص خود را به وجود آورند که دولت به تشویق و حمایت این اقدام‌ها پرداخت. به عبارت دیگر بنگاه‌های خصوصی نقش پیشگام یا راهبر و بنگاه‌های دولتی نقش پیرو را بازی کردند.

دوم، مکانیزاسیون کشاورزی و صرفه‌جویی نیروی انسانی، سبب کاهش

در ۱۹۷۱ اقتصاد ژاپن در پایین ترین درجه رکود خود قرار داشت و دولت نیز شروع به افزایش هزینه های عمومی خود کرده بود و بانک ژاپن نیز به سرعت در حال افزایش اعتبارات و تزریق پول بود و هدف این بود که یا از طریق صادرات یا با تقاضای داخلی رونق را به ژاپن برگردانند



جمعیت شاغل در بخش کشاورزی شد.

سوم، افزایش تقاضا در کالاهای مصرفی بادوام و همچنین افزایش همه جانبه سطح مصرف و گسترش متداول کمی در هزینه های مصرفی کم کم موجب تقاضا برای کالاهای با کیفیت بهتر شد و مردم تمایل بیشتری به رفاه و بهبود محیط زیست نشان دادند.

چهارم، رشد سریع شهرنشینی سبب بروز مشکلات حمل و نقل، کمبود ذخایر آبی، کمبود منازل مسکونی و ساختمانی شد.

پنجم، ایجاد نوسان ها در شرایط پولی بین المللی ژاپن و از بین رفتن نظام ارزی متکی بر طلا و بروز شوک نیکسون و توافق اسمیتسونین^{۲۴}.

در ۱۹۷۱ اقتصاد ژاپن در پایین ترین درجه رکود خود قرار داشت و دولت نیز شروع به افزایش هزینه های عمومی خود کرده بود و بانک ژاپن نیز به سرعت در حال افزایش اعتبارات و تزریق پول بود و هدف این بود که یا از طریق صادرات یا با تقاضای داخلی رونق را به ژاپن برگردانند.

این سیاست سبب افزایش قیمت ها و تورم در ژاپن شد البته بخشی از این تورم ناشی از تورم جهانی به خاطر شوک نیکسون بود. مقامات تصمیم گیرنده برای مقابله با این وضع، سیاست پولی انقباضی را در ۱۹۷۳، به مرحله اجرا در آوردند و انجام هزینه های عمومی را به تعویق انداختند ولی به علت این که در ۱۹۷۳ بودجه تصویبی دولت ۲۴/۶ درصد نسبت به بودجه سال قبل زیاد شده بود و نیز سرمایه گذاری دولت ۳۲/۲ درصد افزایش داشت سیاست های انقباضی نتوانست تورم را مهار کند. کاهش رشد اقتصادی ژاپن در این دوره را بیشتر

می توان معلول آشفته گی کلی اقتصاد جهان دانست. بنابراین برخی عوامل کاهش رشد اقتصادی، افزایش حجم و قیمت ضمنی کالاهای صادراتی از ۷/۹ درصد به ۳۱ درصد و افزایش شاخص ضمنی کالاهای وارداتی از ۱۷/۱ درصد به ۵۵/۲ درصد و افزایش شاخص بهای خرده فروشی از ۱۰۰ به ۱۰۶/۲ درصد بوده است. ۲۵. افزایش قیمت نفت خام در ۱۹۷۳ از رشد اقتصادی کشور کاست و موجب افزایش میزان تورم و مشکل کسری موازنه پرداخت ها شد.

به همین دلیل برنامه ریزان اقتصاد ژاپن مجبور شدند در خطمشی ها و اهداف و سیاست های اجرایی برنامه های اقتصادی کشور تجدیدنظر به عمل آورند و ترتیباتی به منظور کاهش خروج سرمایه از ژاپن و تشویق ورود سرمایه خارجی به کشور اتخاذ کنند و در داخل کشور سرمایه گذاری های جدید را به سوی خانه سازی، مبارزه با آلودگی هوا، صنایع سبک مانند داروسازی و بخش های دیگر مانند آموزش و پرورش سوق دهند تا موجب نگاهداری و افزایش کیفیت سطح زندگی مردم ژاپن شود. رشد حقیقی تولید ناخالص ملی سرانه به قیمت ثابت در ۱۹۷۰ از حدود ۸/۴ درصد در ۱۹۷۳ یک باره و ناگهانی به کمتر از ۰/۱ درصد در ۱۹۷۵ کاهش پیدا کرد^{۲۵} و این اولین ضربه اقتصادی بود که در ۲۰ سال گذشته در اقتصاد ژاپن به وقوع پیوست.

البته صنعت اتومبیل سازی ژاپن در طی این دوره رشد زیادی پیدا می کند به طوری که صنایع اتومبیل سازی به عنوان چرخ های ماشین اقتصادی ژاپن توصیف می شود و از هر دو نفر کارگر یکی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در صنایع اتومبیل سازی و یا تعمیر اتومبیل اشتغال داشت. ژاپن تقریباً ۱۳ اتومبیل جهان

جدول ۳. ترکیب سهم بخش های مختلف اقتصاد در تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	ساختمان	صنعت و معدن	کشاورزی	بیمه مالی	سایر بخش ها*
۱۹۷۰	۸	۲۸/۲	۶/۳	۱۳/۲	۴۴/۳
۱۹۷۳	۹	۳۷	۶/۱	۱۴/۲	۳۳/۵
۱۹۷۶	۹/۶	۳۳/۱	۵/۷	۱۴/۸	۳۶/۸
۱۹۷۹	۹/۹	۳۳	۴/۷	۱۶/۲	۳۶/۲
۱۹۸۲	۹/۲	۳۴/۴	۳/۷	۱۷/۲	۳۵/۵

* برق، گاز، آب، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات

مأخذ: وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، "بررسی مسائل کشورها (ژاپن)"، شماره ۹، ۱۳۶۴، ص ۱۲.

جدول ۴. جدول میزان بیکاری

سال	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳
نرخ بیکاری	۲/۱	۲	۲/۲	۲/۴	۲/۶

ماخذ: وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، "بررسی مسائل کشورها (ژاپن)"، شماره ۶، ۱۳۶۳، جدول ۳۵، ص ۱۶۵.

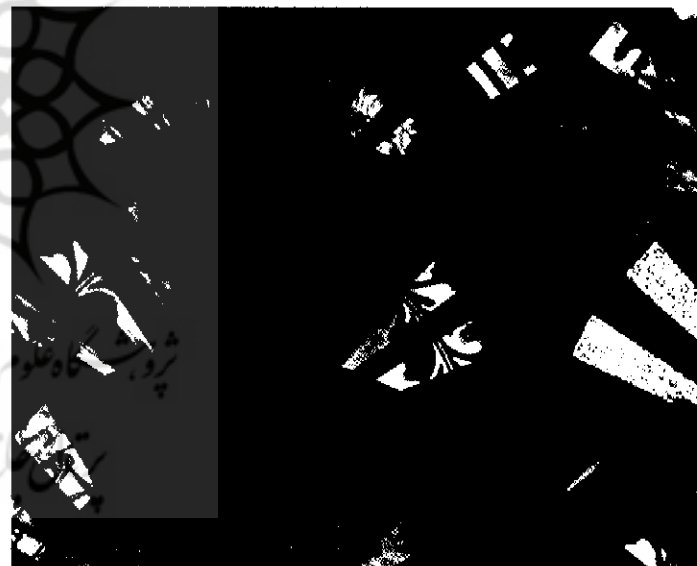
ارقام: درصد

جدول ۵. ترکیب صادراتی کالاهای صنعتی از ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۴

سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	کل
	ماشین‌سازی	فلزات	شیمیایی	جمع	نساجی	سایر	جمع جز ۵+۶	
۱۹۵۱	۹/۵	۲۴/۱	۵/۷	۳۹/۳	۴۸	۱۲/۷	۶۰/۷	۱۰۰
۱۹۵۵	۱۴/۶	۲۱/۶	۶/۷	۴۲/۹	۳۹/۵	۱۷/۵	۵۷	۱۰۰
۱۹۶۰	۲۶/۸	۱۶/۱	۶/۶	۴۹/۵	۳۱/۴	۱۹/۱	۵۰/۶	۱۰۰
۱۹۶۱	۳۰/۹	۱۵/۷	۷/۶	۵۴/۲	۲۸/۲	۱۷/۶	۴۵/۸	۱۰۰
۱۹۶۸	۴۳/۲	۱۸/۵	۹/۹	۷۱/۱	۱۴/۴	۱۳/۹	۲۸/۳	۱۰۰
۱۹۶۹	۴۷/۴	۱۸/۸	۹/۹	۷۶/۱	۱۳/۴	۱۱/۵	۲۴/۹	۱۰۰
۱۹۷۵	۵۴/۱	۲۳	۱۰/۶	۸۷/۷	۶	۶/۳	۱۲/۳	۱۰۰
۱۹۷۶	۵۸/۷	۲۰	۸/۷	۸۷/۴	۵/۶	۷	۱۲/۶	۱۰۰
۱۹۸۳	۶۸	۱۲/۸	۷/۶	۸۸/۴	۴/۲	۷/۴	۱۱/۶	۱۰۰
۱۹۸۴	۷۰/۸	۱۱/۵	۷/۲	۸۹/۵	۳/۷	۷/۸	۱۱/۵	۱۰۰

ماخذ: کاروشی، ارکاراو میریسا کوهاما، فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، جدول ۲-۳ الف، ص ۲۵۸.

یکی از مسائل مهمی که در دهه ۱۹۷۰ باید مدنظر داشت تغییر ترکیب سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در تولید ناخالص داخلی است همان‌طور که از جدول ۳ بر می‌آید سهم بخش‌های صنعت و ساختمان و بیمه و تجارت و ارتباطات در تولید ناخالص داخلی ژاپن رو به افزایش است ولی سهم بخش کشاورزی کاهش یافته است



ارتباطات در تولید ناخالص داخلی ژاپن رو به افزایش است ولی سهم بخش کشاورزی کاهش یافته است. این مسأله نشان می‌دهد که الگوی توسعه بیشتر در زمینه صنایع بوده و در کنار افزایش و گسترش صنایع، بخش‌هایی نظیر ساختمان و بیمه نیز گسترش یافته است.

همان‌طور که ملاحظه شد سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کم شده و در عوض درصد سهم بخش مالی و بیمه و صنعت زیاد شده است.

بررسی روند توسعه اقتصادی ژاپن در سال‌های ۱۹۸۰ به بعد فاز صنعتی شدن کامل در دهه ۱۹۸۰

مهمترین ویژگی در دهه ۱۹۸۰، انتقال ساختار صنعتی ژاپن از صنایع سنگین و فلزات و شیمیایی به توسعه و ابداع صنایع الکترونیک، رایانه و

رادراختیار داشت. ۲۷. برای تشریح "معجزه اتومبیل" در ژاپن باید وضع را که در دهه ۱۹۷۰ به نفع شرکت‌های اتومبیل‌سازی به وجود آمده مورد ملاحظه قرار داد. کاهش عرضه نفت و افزایش شدید قیمت آن در ۱۹۷۳ موجب شد تا شرکت‌های بزرگ اتومبیل‌سازی به فکر ساختن مدل‌های جدید اتومبیل باشند. اتومبیل‌هایی که کوچک و کم مصرف باشند. اما مصرف‌کنندگان نمی‌توانستند صبر کنند تا این مدل‌ها از تولید خارج شوند در این هنگام ژاپن تقریباً تنها کشوری بود که توانست با انواع اتومبیل‌های کوچک و کم مصرف خود با رشد تقاضا در بازار مقابله کند. یکی از مسائل مهمی که در دهه ۱۹۷۰ باید مدنظر داشت، تغییر ترکیب سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در تولید ناخالص داخلی است. همان‌طور که از جدول ۳ بر می‌آید، سهم بخش‌های صنعت و ساختمان و بیمه و تجارت و

ماشین سازی بود و این امر به معنی کاهش وابستگی به انرژی تلقی می شود از سیاست های عملکردی در زمینه اعمال صرفه جویی در انرژی، صنایع تولیدی به مرحله جدیدی وارد شدند و ریشه های دانش بر و فن آوری بر نظیر فن آوری نیمه هادی ها، الکترونیک و رایانه، دوربین، ساعت سازی، رباط سازی، رایانه کوچک دستی (میکرو کامپیوتر)، اتومبیل سازی به خوبی جای صنایعی چون صنایع فلزات و شیمیایی را گرفتند. جدول ۵ تغییرات در ترکیب صادراتی صنعتی در سال های ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۴ را نشان می دهد.

در این دوره علت اصلی کاهش صادرات زاین، رکود اقتصادی در امریکا بوده است، اما کاهش صادرات به کشورهای جنوب شرقی آسیا و کشورهای اروپایی این روند را شدت بخشید. به طور مثال عقد موافقت نامه محدودیت صادرات اتومبیل به امریکا و دیگر محدودیت های صادراتی به کشورهای دیگر از عوامل مؤثر در کاهش صادرات زاین در ۱۹۸۲ بود.

میزان رشد واقعی تولید ناخالص ملی زاین از ۵/۳ درصد در دوره ۸۴-۱۹۸۳ به ۵/۷ درصد در دوره ۸۵-۱۹۸۴ افزایش یافت. ارزش کل تولید ناخالص داخلی زاین در ۱۹۸۵ معادل ۱۳۴۴/۶ میلیارد دلار بود و در همان سال تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۱۱۳۷ دلار بوده است. ۲۸٪ از این نظر مقام هفتم رادریین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی توسعه داشته است.

برای آن که با ساختار تولیدات صنعتی و صادرات کالاهای مختلف صنعتی و تغییرات آن ها از ۱۹۵۵ تا

جدول ۶. ساختار تولیدات صنعتی: زاین پس از جنگ (به ارزش معجمه)

۱۹۵۵	۱۹۶۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل تولیدات صنعتی
۱۷/۹	۱۲/۴	۱۲/۵	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۰/۵	۱۰/۸	مواد خوراکی
۱۶/۲	۱۱/۲	۸/۸	۶/۴	۵/۱	۳/۸	۳/۲	منسوجات
۱/۳	۱/۲	۱/۵	۱/۴	۱/۷	۱/۴	۱/۳	پوشاک
۴/۰	۳/۵	۳/۶	۳/۲	۲/۸	۲/۵	۱/۶	محصولات چوبی
۱/۰	۱/۰	۱/۴	۱/۵	۱/۵	۱/۴	۱/۱	انابه
۴/۲	۴/۹	۳/۸	۳/۳	۳/۳	۳/۲	۹/۲	کاغذ و خمیر کاغذ
۳/۳	۲/۵	۳/۱	۲/۹	۳/۳	۳/۳	۳/۳	چاپ و انتشارات
۱۱/۰	۹/۴	۹/۵	۸/۰	۸/۲	۸/۴	۸/۰	مواد شیمیایی
۱/۹	۲/۴	۲/۸	۲/۶	۵/۹	۷/۱	۵/۴	نفت و زغال سنگ
۱/۴	۱/۵	۱/۳	۱/۱	۱/۱	۱/۲	۱/۱	محصولات لاستیکی
۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۲	محصولات چرمی
۳/۴	۳/۵	۳/۶	۳/۶	۳/۸	۳/۹	۳/۵	سرامیک
۹/۶	۱۰/۶	۹/۱	۹/۵	۸/۹	۸/۳	۶/۸	آهن و فولاد
۴/۱	۴/۳	۴/۰	۴/۴	۳/۱	۳/۸	۲/۸	فلزات غیر آهن
۳/۳	۳/۹	۴/۷	۵/۴	۵/۲	۵/۰	۴/۷	محصولات فلزی
۴/۶	۷/۸	۷/۸	۹/۹	۸/۳	۸/۲	۸/۸	ماشین آلات عمومی
۳/۷	۸/۳	۷/۸	۱۰/۶	۸/۵	۱۰/۴	۱۵/۴	ماشین آلات الکتریکی
۵/۵	۸/۵	۹/۷	۱۰/۵	۱۱/۶	۱۱/۶	۱۴/۷	تجهیزات حمل و نقل
۰/۸	۱/۱	۱/۳	۱/۳	۱/۴	۱/۶	۱/۶	ابزار دقیق
۰/۰	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	تجهیزات نظامی
۲/۰	۲/۵	۳/۳	۳/۶	۲/۰	۲/۱	۲/۵	سایر

منبع: کازوشی، اوکاوو و هیساگوها، توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه زاین - جدول ۳-۸، صفحه ۳۸۶.

جدول ۷. ساختار صادرات تولیدات صنعتی: در ژاپن پس از جنگ (درصد)

کل	۱۹۵۵	۱۹۶۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
مواد خوراکی	۶/۲	۶/۳	۲/۱	۳/۲	۱/۲	۱/۲	۰/۸
منسوجات	۳۷/۳	۳۰/۱	۱۸/۷	۱۲/۵	۶/۷	۲/۸	۳/۶
الیاف نساجی	۲/۹	۲/۰	۱/۸	۱/۰	۰/۸	۰/۵	۰/۲
نخ نساجی	۲۹/۱	۲۲/۷	۱۳/۵	۹	۵/۲	۳/۹	۲/۸
پارچه	۵/۲	۵/۲	۳/۲	۲/۲	۰/۶	۰/۲	۰/۲
مواد شیمیایی	۵/۱	۲/۵	۶/۵	۶/۲	۷/۰	۵/۳	۲/۴
مواد معدنی غیرفلز	۲/۷	۲/۲	۳/۱	۱/۹	۱/۳	۱/۲	۱/۲
فلزات و محصولات فلزی	۱۹/۲	۱۲/۰	۲۰/۳	۱۹/۷	۲۲/۲	۱۶/۲	۱۰/۶
آهن و فولاد	۱۲/۸	۹/۶	۱۵/۳	۱۲/۷	۱۸/۲	۱۱/۹	۷/۸
فلزات غیرآهن	۳/۳	۰/۶	۱/۲	۱/۳	۱/۰	۱/۵	۰/۸
محصولات فلزی	۳/۰	۳/۸	۳/۶	۳/۷	۳/۲	۳/۰	۲/۰
ماشین آلات	na	۲۵/۵	۳۵/۲	۲۶/۳	۵۳/۸	۶۲/۷	۷۱/۸
ماشین آلات عمومی	na	na	۷/۲	۱۰/۲	۱۲/۱	۱۳/۹	۱۶/۸
ماشین آلات الکتریک	na	na	۹/۲	۱۲/۳	۱۱/۰	۱۲/۲	۱۶/۹
تجهیزات حمل و نقل	na	na	۱۲/۷	۱۷/۸	۲۶/۱	۲۶/۵	۲۸/۰
ابزارهای دقیق	na	na	۳/۹	۵/۷	۴/۷	۷/۹	۱۰/۱
سایر	na	۱۵/۳	۱۲/۱	۹/۹	۷/۲	۸/۱	۷/۷

مأخذ: کاروشی، اوکادامیرو میساکوما، توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، جدول ۴-۸، ص ۳۸۵.

جدول ۸. مقایسه میزان پس انداز بین ژاپن و چند کشور غربی

کشور	ژاپن	آلمان غربی	انگلستان	فرانسه	امریکا
میزان پس انداز بعنوان درصدی از درآمد	۱۷/۳٪	۱۲٪	۱۲٪	۷٪	۶٪

مأخذ: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، "نظام پولی و بانکی در ژاپن"، مجله اقتصادی، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۸، ص ۲۱.

ناخالص خصوصی ۴/۴ درصد و نسبت درصد سرمایه گذاری خصوصی به تولید ناخالص ملی ۲۳/۹ درصد بوده است که میزان رشد تولید ناخالص ملی و میزان رشد تشکیل سرمایه ناخالص خصوصی نسبت به دهه های قبل کم است ولی نسبت درصد سرمایه گذاری خصوصی به تولید ناخالص ملی افزایش یافته است و این نشان دهنده سیاست های خصوصی سازی بیشتر در این دهه است.^{۲۹} مهم ترین معضلاتی که ژاپن در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ با آن روبرو بود عبارت است از:

۱. اشباع بازارهای داخلی و خارجی که این امر توسط افزایش تولیدات ژاپن، کشورهای غربی و کشورهای در حال رشد مانند کره جنوبی، چین، تایوان، برزیل و سنگاپور.... صورت گرفته است. در این روند قیمت ها نیز مطرح بوده، به

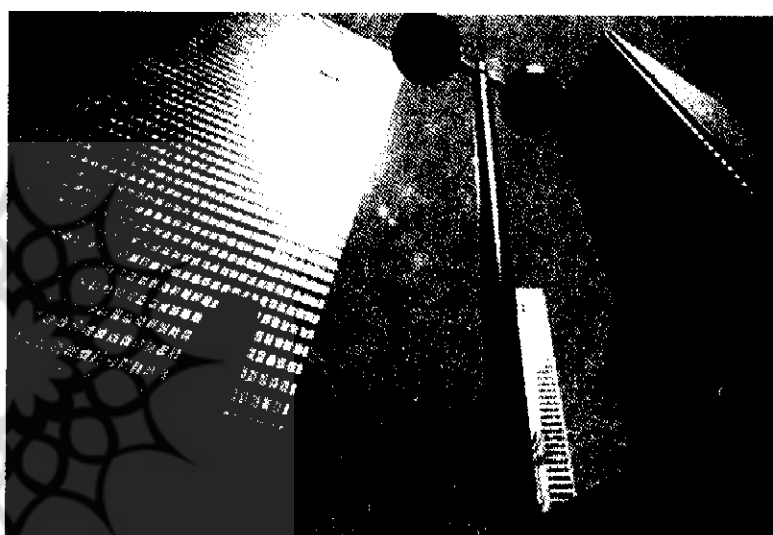
۱۹۸۴ آشنا شویم جداول ۶ و ۷ ارائه شده که این جدول ها نشان دهنده تغییر ساختار تولیدات صنعتی ژاپن از صنایع شیمیایی و سنگین و منسوجات به سمت صنایع الکترونیک، ابزار دقیق، رایانه، ماشین آلات عمومی و... بوده است.

یکی از نتایج بسیار جالبی که مطرح است به رغم رکود جهانی، میزان بیکاری در ژاپن نسبتاً پایین است (طبق جدول ۴)، یکی از دلایل مهم این امر این است که بسیاری از شرکت های ژاپنی از نظام اشتغال تمام عمر پیروی می کنند. به این صورت که کارگر حتی در بدترین شرایط کاری از محل کارش اخراج نمی شود و اگر اخراج هم شود، بیکار به حساب نمی آید و مستمری او برای تأمین معاش خانواده پرداخت می شود. به طور خلاصه در دهه ۱۹۷۰ متوسط سالانه میزان رشد تولید ناخالص ملی شش درصد و میزان رشد تشکیل سرمایه

نسبت سرمایه گذاری اضافی (I/ΔY)	نسبت سرمایه گذاری (I/Y)	GNP سرانه	جمعیت کل	GNP (Y)	فازها
۳/۷	۹/۷	۱/۵	۱/۱	۲/۶	Ia ۱۸۸۷-۱۹۰۳
۲/۲	۱۲/۸	۲/۱	۱/۲	۳/۳	Ib ۱۹۰۴-۱۹۱۹
۳/۸	۱۸/۲	۳/۵	۱/۲	۴/۹	Ic قبل از جنگ دوم ۱۹۱۹-۱۹۳۸
۲/۸	۲۷	۸/۶	۱	۹/۶	Id قبل از جنگ دوم ۱۹۵۴-۱۹۶۵
۵/۲	۳۳/۲	۵/۱	۱/۱	۶/۲	Id ۱۹۶۵

منابع: کازوشی، اوکاوو و هیروجیسا کوهاما، فازهای توسعه کلورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، جدول ۱-۵ ص ۲۶۸.

**دولت در صدد است
حدود ۲ تریلیون یون
به اقتصاد این کشور تزریق کند
همچنین در نظر دارد
۲/۹ تریلیون یون بودجه
برای اجرای پروژه‌های عمرانی
اختصاص دهد و از شهرداری‌ها نیز
بخواهد که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد یون
در این راستا هزینه کنند**



صرفه جویی در مصرف انرژی و به کارگیری منابع دیگر تاهمین انرژی.
با توجه به این که ژاپن بیشترین مازاد پرداخت‌ها را دارد و بزرگترین طلبکار
جهان است و دارای ذخایر ارزی بسیار زیادی است، بنابراین مصمم است
که به توسعه کشورهای عقب مانده و در حال توسعه کمک کند تا از این
طریق در بهبود وضع اقتصاد جهانی نیز نقش داشته باشد و در نهایت خود نیز
منتفع شود.
در این روند ژاپن تجارت خود را آزادتر خواهد کرد به طوری که در
۱۹۸۸ واردات برخی اقلام کشاورزی را از امریکا آزاد کرد.
اقدام‌ها و برنامه‌های جدید دولت برای تحرک بخشیدن به اقتصاد
راکد

دولت در صدد است حدود ۲ تریلیون یون به اقتصاد این کشور تزریق کند،
همچنین در نظر دارد ۲/۹ تریلیون یون بودجه برای اجرای پروژه‌های عمرانی
اختصاص دهد و از شهرداری‌ها نیز بخواهد که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد یون
این راستا هزینه کنند.

علاوه بر آن دولت در چارچوب این برنامه در نظر دارد برای رواج ساختمان
سازی حدود یک تریلیون یون وام مسکن به مردم اعطا کند و در نهایت برای
کمک به بخش خصوصی قصد دارد از میزان مالیات بردرآمد حدود شش تا هفت
تریلیون بکاهد.^{۳۰}

طوری که کشورهایی مانند کره جنوبی با داشتن سطح دستمزدها پایین‌تر توانستند
کالاهای شان را با قیمت نازل تری به بازارهای جهانی عرضه کنند:

۲. پیر شدن جمعیت؛
۳. کاهش میزان رشد اقتصادی؛
۴. فشارهای سیاسی، اقتصادی کشورهای غربی به ویژه امریکا، بر ژاپن
که در بسیاری از موارد ژاپن مجبور شده است. برخی از سیاست‌های اقتصادی
خود را تغییر دهد. مانند تقویت یون، کاهش صادرات و افزایش واردات، افزایش
بودجه نظامی و...؛
۵. کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی؛
۶. افزایش بیکاری.

به هر حال برای انطباق اقتصاد ژاپن با وضع جدید اقتصاد جهانی، این کشور
از ۱۹۸۸ سیاست‌هایی را به طور رسمی به عنوان سیاست‌های اقتصادی دولت
اعلام کرده و در صدد پیروی از آن‌هاست:

تعمیر ساخت اقتصادی ژاپن از یک اقتصاد وابسته به صادرات کالا به کشور
صادرکننده سرمایه و فن آوری (بر همین اساس ژاپن با انتقال فن آوری خود از
نیروی کار ارزان کشورهای دیگر استفاده خواهد کرد، این کشورها حتی شامل
امریکا خواهد شد).
توسعه تقاضای داخلی و بالا بردن مصرف و کار بیشتر روی اقتصاد رفاه.

نکته قابل توجه در رفتار مردم ژاپن این است که ژاپنی‌ها در زمان سختی بیش از زمان‌های دیگر پس انداز می‌کنند. این موضوع به افزایش میزان پس انداز خانوارها به سطح بالای ۲۳/۷ درآمد قابل تصرف در ۱۹۷۴ یعنی زمانی که سطح درآمد قابل تصرف ژاپنی‌ها در نتیجه بحران نفت به طور نسبی رشدی نداشت و اقتصاد ژاپن در تحول جدیدی بود کاملاً مشهود است

علل اساسی رشد ژاپن

علل اساسی رشد یا ساز و کارها و نهادهای رشد ژاپن عبارت بودند از:
الف) میزان بالای پس انداز شخصی؛ کشور ژاپن از جمله کشورهایی است که از نظر تمایل به پس انداز معروف بوده و هست، به طوری که میزان پس انداز سرانه در ژاپن در ۱۹۸۶ به ۲۷۳۰۳ دلار رسید و برای اولین بار طی سال‌های اخیر سوئیس رتبه نخست لیست پس انداز سرانه کشورها را از دست داد و جای خود را به ژاپن سپرد. این ویژگی ژاپنی‌ها به همراه مازاد تراز بازرگانی توجه کشورهای غربی را جلب کرده، چرا که بالا بودن سطح پس انداز نشان دهنده پایین بودن سطح مصرف در ژاپن است که منجر به آزاد شدن قسمت زیادی از تولیدات داخلی برای صادرات می‌شود. برای پی بردن به بالا بودن سطح پس انداز خانوارها در ژاپن به عنوان درصدی از درآمدهای قابل تصرف مقایسه‌ای بین ژاپن و سایر کشورهای غربی صورت گرفته است.

جدول ۸. مقایسه میزان پس انداز بین ژاپن و چند کشور غربی

کشور ژاپن آلمان غربی انگلستان فرانسه آمریکا

میزان پس انداز بعنوان ۱۷/۳٪ ۱۲٪ ۷٪ ۶٪ درصدی از درآمد

مأخذ: وزارت امور اقتصادی و دارایی. معاونت امور اقتصادی. نظام پولی و بانکی در ژاپن. مجله اقتصادی، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۸، ص ۲۱.

نکته قابل توجه در رفتار مردم ژاپن این است که ژاپنی‌ها در زمان سختی بیش از زمان‌های دیگر پس انداز می‌کنند. این موضوع به افزایش میزان پس انداز خانوارها به سطح بالای ۲۳/۷ درآمد قابل تصرف در ۱۹۷۴ یعنی زمانی که سطح درآمد قابل تصرف ژاپنی‌ها در نتیجه بحران نفت به طور نسبی رشدی نداشت و اقتصاد ژاپن در تحول جدیدی بود کاملاً مشهود است.

براساس بررسی‌های به عمل آمده حتی حدود ۷۰ درصد مردم ژاپن از میزان فعلی پس انداز خود نیز راضی نبوده و اظهار داشته‌اند که اگر درآمد آن‌ها ۱۰ درصد دیگر افزایش یابد. بیش از نیمی از آن را باز هم پس انداز خواهند کرد. در نهایت این پس اندازها چه از طریق شخصی و چه به واسطه نظام بانکی، در کانال سرمایه‌گذاری هدایت شده است. بنابراین میزان بالای پس انداز موجب افزایش سرمایه‌گذاری و تولید شده است.

Y↑ → S↑ → I↑ → Y↑

در سال‌های اخیر سطح پس انداز شخصی در ژاپن تا حدودی پایین آمده است. در این میان گروهی معتقدند احتمالاً بهبود نظام تأمین بازنشستگی در ژاپن می‌تواند یکی از علل مهم آن باشد. از طرف دیگر با نگاهی به تغییر ترکیب گروه‌های مختلف سنی می‌توانیم تا حدودی روند نزولی پس انداز در ژاپن را پیش‌بینی کنیم. در ۲۰۰۰، ۲۵ درصد کل جمعیت ژاپن را افراد بالای ۶۵ سال

تشکیل خواهند داد و این نسبت در ۲۰۲۰ به ۴۰ درصد خواهد رسید، در حالی که در حال حاضر این افراد فقط بیش از ۹/۸ درصد کل جمعیت هستند. باز دیاد سن طبیعتاً تمایل به پس انداز هم کاهش می‌یابد چون سطوح درآمدها در سنین بالا به حدی نیست که بتوان پس انداز کرد.

بطور کلی مهمترین دلایل افزایش پس انداز ژاپنی‌ها عبارت بودند از:
به علت افزایش درآمدهای واقعی، مصرف کنندگان نتوانستند مصرف خود را به سرعت با درآمد جدید سازگار کنند، بنابراین میزان پس انداز بالا رفت.
کاهش تعداد افراد خانوارها، هزینه‌های مصرفی را به طور کلی کاهش داده و میزان پس اندازها را بالا برد.

افزایش میزان پاداش و درآمدهای موقتی دیگر.

ب) نظام مدیریت کارا، ایجاد رابطه صحیح بین مدیریت و نیروی کار، باعث اداره صحیح شرکت‌ها و کارایی بسیار بالای آن‌ها شد.

برخی از مهمترین پارامترهای نظام مدیریت این کشور عبارت بودند از:
نظام استخدام تا پایان عمر، روحیه مالکیت نسبت به شرکت یعنی کارگر احساس می‌کرد که شرکت مال اوست و در سود و زیان شریک است به عنوان مثال در زمان رکود، داوطلبانه دستمزد کمتری دریافت می‌کردند.

ج) وجود نظام رقابتی و آزاد بودن اقتصاد و کارایی نظام بازار و گسترش آن و فعالیت زیاد و خوب بخش خصوصی با هدایت و کنترل دولت و حفظ تعادل پویا میان برنامه‌ریزی دولتی و اقتصادی مبتنی بر بازار (بخش خصوصی).

د) پایین بودن بودجه دفاعی یعنی به جای این که بودجه صرف مصارف نظامی شود، صرف سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی می‌شد.

ه) وجود رابطه موزون بین بخش‌های صنعت، کشاورزی، بازرگانی، خدمات و سایر بخش‌ها و نیز ایجاد بخش‌های تولید کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای، مصرفی و بخش تولید ابزار تولید و وجود بخش صادرات به عنوان حلقه متصل کننده بخش‌های مذکور برای صادرات مازاد این بخش‌ها بود. (و) بالا بودن میزان سرمایه‌گذاری و بهره‌وری سرمایه و اثبات سرمایه عملکرد بلندمدت سرمایه‌گذاری در فازهای توسعه ژاپن این گونه بوده است.

la. فاز صادرات، صادرات کالاهای سنتی و جایگزینی مقدماتی واردات

lb. فاز جایگزینی مقدماتی صادرات

lc و ic. فاز جایگزینی ثانوی واردات

ld. فاز جایگزینی ثانوی صادرات

روند افزایش (↑) نشان دهنده افزایش سرمایه‌گذاری بلندمدت است که آن را "تسریع رشد" می‌نامیم. در فرایندها توسعه برای جابه‌جایی و انتقال

موفقیت آمیز فازها، تسریع روند افزایش نسبت سرمایه گذاری ضروری است و به همین علت "ظرفیت جذب سرمایه گذاری" یک کشور بسیار اهمیت دارد. نسبت بازده اضافی سرمایه^{۳۱} $(\frac{1}{p})$ در فازهای اولیه بالاست ولی با نزدیک شدن به فاز نیمه صنعتی کاهش یافته و در فاز صنعتی کامل افزایش می یابد.

ر) تحقیق و توسعه - مطالعات متعددی که در رابطه با رشد ژاپن به ویژه در چند دهه اخیر شده است، بیانگر این است که بین توسعه تحقیقات و رشد اقتصادی این کشور همبستگی معنی داری وجود دارد. در مطالعات زمانی بین ۱۹۴۹-۶۱ این رابطه وجود داشته است:^{۳۲}

$$GNP = 6/55 + 44/3 (R\&D) \\ R^2 = 0/98$$

نتیجه گیری

در پایان به عنوان خلاصه و نتیجه گیری کلی، نظری اجمالی به سیر تحول تکامل توسعه اقتصادی کشوری که از انزوای کامل اقتصادی خارج شد و در کمتر از یک قرن، از یک اقتصاد متکی به کشاورزی و ماهی گیری به یک غول صنعتی تبدیل شده است، می افکنیم:

۱. از زمانی که جرقه توسعه اقتصادی در دوران میجی زده شد، موتور رشد و توسعه ژاپن به حرکت در آمد و بخش های سنتی و مدرن در صنعت و چه در کشاورزی توانستند با یکدیگر حرکت را تداوم بخشند. همزمان با اجرای سیاست های انتقال فن آوری به ژاپن، علاوه بر ایجاد و تجهیز صنایع مدرن، صنایع سنتی نیز، اقدام به مکانیزه (صنعتی) شدن برای افزایش بازدهی کردند و در عمل نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی و سایر بخش های سنتی، جذب کارخانه ها و صنایع مدرن شدند و شرایط را برای افزایش تولیدات و رشد صنایع فراهم کردند.

جنگ جهانی دوم باعث تخریب و از بین رفتن بخشی از ثروت ملی ژاپن شد و دوره بازسازی بعد از جنگ، بسیار سخت و توأم با مشکلات سیاسی و اقتصادی فراوان بود. پس از آن نوبت به مبارزه با محدودیت های فنی و فن آورانه تولید رسید. در این دوران با سرعت و تلاش فراوان و از طریق همکاری های خارجی، کشور ژاپن توانست فن آوری های مورد نیاز خود را وارد کند. سپس نوبت به دوران رشد سریع (بین ۱۹۵۵-۶۵) رسید و در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ به حالت اشتغال کامل رسید. در واقع از یک اقتصاد با ویژگی نیروی انسانی ارزان به اقتصادی که با کمبود نیروی انسانی مواجه شده رسید. بعد از حل این مشکلات، با مسائل آزادی تجاری خارجی روبه رو شد و با احتیاط شروع به گشودن درهای خود کرد.

سپس دوره های کسری و مازاد پرداخت ها و افزایش ذخایر ارزی و بحران های نفتی و بحران های پولی و ارزی را با موفقیت پشت سر گذراند

و توانست از کشوری متکی به قدرت نظامی و دارای مردمی با سطح زندگی پایین و جامعه طبقاتی بیرون آید.

در این راستا الگوی رشد و توسعه این کشور که قبل از جنگ بر پایه نظامیگری استوار بود بعد از جنگ بر پایه بی توجهی به صنایع نظامی بنیاد گذاشته شد (توسعه صنایع سنگین و زیربنایی، ماشین سازی و بعد الکترونیک و رایانه) و به تدریج جامعه طبقاتی را از میان برد و توزیع ثروت و امکانات اقتصادی از طریق کاهش دخالت های دولت به اصطلاح، ساز و کار بازار تحقق پیدا کرد.

۲. دستاوردهای آماری بسیاری را می توان از این دوران بر شمرد. تولید ناخالص ملی و صادرات و مصرف از همان ابتدا سیر صعودی داشت و در دوران بعد از جنگ بر شدت رشد آن ها افزوده شد. سرمایه گذاری ها به سرعت توسعه یافت، کشاورزی ترقی کرد و تولیدات صنعتی و کشاورزی و آفری به جامعه عرضه شد. شبکه وسیع راه ها، راه آهن، بزرگراه ها، خطوط هوایی و سیستم ارتباطی گسترش فوق العاده ای پیدا کرد. مشکلات تمرکز جمعیت تا حدودی زیادی حل شد و اشتغال نیز به سطح بالایی رسید.

در مقایسه بین سال های ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۰، تولید ناخالص ملی ۱۵ برابر شد، مصرف سرانه ۱۳ برابر افزایش پیدا کرد، حجم صادرات ۱۲۰ برابر و تولید نیز ۵۲ برابر شد. علاوه بر پیشرفت های مذکور، تحولات دیگری از نظر تفاوت های ساختاری بین مناطق و بخش ها و اختلافات درآمدی به وجود آمد.

به طور کلی الگوی توسعه ژاپن بر مبنای توسعه صنایع برای افزایش تولیدات و در نتیجه افزایش صادرات (الگوی توسعه صادرات) و رسیدن به رشد و توسعه بالای اقتصادی با اتکا به کار گروهی بوده است. به همین خاطر روند تغییر و انتقال فازها به سوی توسعه و گسترش صنایع بوده است.

در این راستا ابتدا سیاست جایگزینی واردات را انتخاب کرده تا با ورود فن آوری و دانش آن و فراگیری و استفاده صحیح از آن ها قدم به سوی ابداعات فن آورانه و گسترش صنایع مدرن بردارند تا در نهایت به الگوی مورد نظر یعنی توسعه و افزایش تولیدات صنعتی و صادرات آن ها دست یابند.

از سوی دیگر اهداف در نظر گرفته در بخش کشاورزی مبتنی بر مکانیزه کردن کشاورزی و افزایش محصولات آن برای دستیابی به خودکفایی داخلی و بی نیازی به خارج و نیز به کارگیری مازاد نیروی کار بخش کشاورزی در صنایع مدرن بوده است.

به هر حال ژاپن تبدیل به یک قدرت اقتصادی جهانی شده است و تحولات جهانی و نوسان های اقتصاد داخلی ژاپن بر یکدیگر اثر می گذارند.

منابع:

baltimore and london, published for world Bank, 1992.
"International financial statistics yearbook", International
monetary Fund, 1992.
The economist intelligence unit (E.I.U), "country report -
Japan", united kingdom. 1st quarter 1994.

اوکاوا، کازوشی و کوهاما هیرهیس، فازهای توسعه، کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، ترجمه بهزاد سلطانزاده، تهران، انتشارات شرکت تحقیقات صنایع الکترونیک خانگی، ۱۳۷۲.

پوریان، حیدر، "مقایسه سیستم مالی پایه بانکی و سیستم مالی پایه اوراق بهادار: فرآیندی از تجربه ژاپن جنگ زاده"، مجله برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۵ بهار ۱۳۷۲، تقی زاده، محمد. ژاپن و سیاست‌های امنیت اقتصادی آن، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.

پی نوشت:

1. Masayashi Matsukata

۲. کازوشی، اوکاوا و هیرو هیساکوهاما، فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، ترجمه بهزاد سلطانزاده، چاپ اول (تهران: شرکت تحقیقاتی صنایع الکترونیک خانگی، ۱۳۷۲)، ص ۴۱۴.

3. Crude Elasticity

4. Net Export Ratio

۵. کازوشی اوکاوا و هیرو هیساکوهاما، ص ۴۸۲.

۶. همان، ص ۲۹۲.

۷. محمدحسین عادل، بازسازی و رشد بعد از جنگ در ژاپن، چاپ اول، ص ۱۱۶.

۸ و ۹. همان، صص ۱۱۸-۱۱۶.

۱۰. همان، صص ۱۱۸-۱۱۶.

11. Foreign trade control law

12. Export credit Insurance law

13. Special taxation measures law

14. Export Goods Design law

15. Export Inspection law

۱۶. همان، ص ۱۵۱-۱۵۰.

۱۷. وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی، ساختار سیاسی، اقتصادی ژاپن، تهران، آبان ۱۳۶۶، ص ۱۴.

18. JODC = JOBER'S overseas Development

cooperations

19. JESA = Japan's Expertise services in Abroad

۲۰. همان، ص ۱۸۳.

21. Engle Coefficient

۲۲. همان، ص ۱۸۳.

23. Research and Development

24. Smithsonian's Agreement

۲۵. وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی، ص ۱۶.

۲۶ و ۲۷. همان، ص ۳ و ۱۷.

۲۸. همان، ص ۱۹.

۲۹. کازوشی، اوکاوا و هیرو هیساکوهاما، صص ۲۸۸-۲۹۹.

۳۰. همان.

31. Incremental Capital - Output Ratio

۳۲. ستاری فر، محمد، درآمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه

طباطبایی، چاپ اول. تهران، ۱۳۷۴، صص ۲۸۱-۲۸۰.

خطیب، محمدعلی. اقتصاد توسعه. چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران (حوزه معاونت آموزشی)، ۱۳۷۱.

خلیل زاده، قاسم. گزارش ویژگی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ژاپن. تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی. شهریور ۱۳۶۷.

ستاری فر، محمد. درآمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشکده علامه طباطبایی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴.

سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، "ژاپن یا سقوط یا صعود؟" مجله آینه اقتصاد، سال پنجم، شماره ۲۱ و ۲۲، خرداد و تیر ۱۳۷۲.

عادل، محمدحسین، بازسازی و رشد بعد از جنگ در ژاپن، چاپ اول، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، زمستان ۱۳۶۷.

علیپور تهرانی، بهزاد، نقش نظام اداری و برنامه‌ریزی ژاپن در توسعه اقتصادی، اجتماعی این کشور، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

غیائی، مجدالدین، گزارش مدیریت اقتصاد بعد از جنگ و تجربه کشورهای ژاپن و انگلستان، تهران، سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد بین‌الملل، مهر ۱۳۶۳.

محمدی، حبیب‌الله، گزارش علل توسعه اقتصادی ژاپن. تهران، سازمان برنامه و بودجه، دی ۱۳۶۷.

متوسلی، محمود، گزارش مروری بر توسعه اقتصادی ژاپن، فرایند صنعتی شدن، تهران، دفتر آموزش سازمان برنامه و بودجه، آذر ۱۳۶۷.

ناکامورا، تاکافوسا و جی گریس، برنارد، توسعه اقتصادی ژاپن نوین، ترجمه جمال هاشمی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.

وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بررسی مسائل کشورها. ژاپن، تهران، دی ۱۳۶۴.

وزارت امور خارجه، معاونت امور آموزش و پژوهش، کتاب سبز. کشور ژاپن. تهران، ۱۳۶۹.

وزارت امور اقتصادی و دارایی. معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی، ساختار سیاسی اقتصادی ژاپن: توسعه اقتصادی طی دو دهه گذشته. "مجله اقتصادی ۱۲ و ۱ سال دوم و سوم (اسفند ۱۳۶۶ و فروردین ۱۳۶۷).

وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی، "نظام پولی و بانکی در ژاپن." "مجله اقتصادی، سال چهارم. شماره ۱۰ (پانزدهم دی ۱۳۶۸).

هایانی، تاکشی "تکنولوژی و توسعه در ژاپن پس از جنگ." ترجمه گیتی مقدم و فتحیه منشی. مجله برنامه و توسعه، دوره ۲. شماره ۶ و ۷ (تابستان و پاییز ۱۳۷۲).

Hopkins, Johns, "World tables", university press